

# اوپک: مانگن پا خروج

f.hassantash@gmail.com

عقد قراردادهای متعدد بیع متقابل به منظور افزایش ظرفیت تولید نفت خام کشور شده است؟”

باید توجه داشت که مدیران وقت وزارت نفت با استناد مستمر به پیش‌بینی های مراجع مربوط به کشورهای مصرف کننده نفت مانند آژانس بین‌المللی انرژی "برآوردهای بسیار بالایی از تقاضای آتی جهانی برای نفت خام اوپک ارائه می نمودند و استدلال می کردند که ایران نیز برای حفظ سهم خود در اوپک باید به صورت شتابان و از طریق انعقاد قراردادهای متعدد با شرکت‌های خارجی ظرفیت های تولید نفت خود را افزایش دهد. آنها بر این مبنای مراجع سیاست گذاری و تصمیم گیری کشور را مقاعد نموده بودند و در شرایط زمانی فوق الذکر تصویر گروهی از این مدیران این بود که با به ثمر نشستن قراردادهای بیع متقابل ظرفیت تولید ایران به رقمی بالاتر از حداقل پنج میلیون بشکه در روز خواهد رسید. بعد از ثابت شد که برخلاف آن تصورات پژوهه‌های مذکور حتی جبران افت تولید سالانه نفت کشور را نمی کند و متسافنه در حال حاضر نیز قریب چهارمیلیون بشکه نفت کشور به دشواری و در شرایط غیرصیانتی تولید می شود. در هر حال در زمان مورد بحث، با توجه به نگرانی مدیریت نفت از مواجهه با سئوال فوق الذکر همايش

مورد اشاره بر پا شد تا طی آن دعاوی زیر تقویت شود:

۱- در چارچوب اوپک و یا غیر آن نباید تنها به فکر قیمت نفت و در تلاش بالابردن و یا تشییت آن بود، بلکه مساله میزان تولید و سهم بازار هم مهم است. (به همین منظور نظریه سهم بازار یمانی که در دهه هشتاد به خاک سبده شده به دو باره عنده ان شد).

-۲- اگر هم ظرفیت تولید نفت (در نتیجه سرمایه گذاری های بیع متقابل) ایجاد شد اما تقاضا برای آن نبود و به صورت ظرفیت مازاد باقی ماند، نباید چندان غمگین شد چراکه ظرفیت مازاد هم ضروری و مهم است و اصولاً وجود ظرفیت مازاد حتی با امنیت ملی هم ارتباط دارد. (البته باید گفت که استدلالی منطقی در این رابطه ارائه نشد).

حدود دو سال پیش در شرایطی کاملاً متفاوت با شرایط فعلی بازار جهانی نفت همایشی توسط موسسه مطالعاتی وابسته به وزارت نفت برگزار شد که در جریان آن نظریه سهم بازار و ایده خروج از سازمان اوپک مورد استقبال کارفرما و برگارکنندگان همایش قرار گرفت. قبل از مقاله‌ای تحت عنوان "ما و قیمت‌های جهانی نفت" که به عنوان سرمقاله در شماره ۶۰ ماهنامه اقتصاد ایرانی به چاپ رسید به طور میتوان این اشاره را در بر نظر گیری کرد. این مقاله از آنچه که علی رغم گذشت زمان و متوجه شدن شرایط به بازار ارائه شد. اما از آنجا که علی رغم گذشت زمان و متوجه نظریه سهم بازار ارائه شد. اما از آنجا که علی رغم گذشت زمان و متوجه شدن شرایط به نظر می‌رسید که ایده خروج از اوپک نیز در اذهان برخی از صاحب منصبان تاثیرگذار جاذبیت‌هایی یافته است مفید به نظر رسید که در این زمینه نیز مطالعی ارائه گردد.

ابتدا لازم است که از نظر اقتصاد سیاسی نفت به خاستگاه استقبال از ایده خروج از اوپک اشاره شود. قبلاً در جایی توضیح داده‌ام که در دوران مدیریت هشت سال گذشته وزارت نفت اغلب موضع گیری‌های اعلام شده آن دستگاه بر مبنای مصرف داخلی بوده است به طوری که حتی در صحنه‌های بین‌المللی موضع به جای اینکه در جهت تحقق منافع ملی باشد، تحت تاثیر جریانات داخلی و به گونه‌ای بوده است که با جهت گیری‌ها و روند غالب تفکر داخلی تعارض پیدا نموده و مورد سوال مراجع تصمیم‌گیر و قانون‌گذار داخلی قرار نگیرد. به نظر می‌رسد که موضوع خروج از اوپک نیز از مصادیق همین گونه ملاحظات بوده است.

همان گونه که اشاره شد در آن زمان برخلاف شرایط جاری بازار نفت، سازمان اوپک مدت‌ها بود که با کاهش تقاضا برای نفت خام خود رو به رو بود و لذا در جلسات مختلف این سازمان و به منظور حفظ و جلوگیری از سقوط قیمت‌های جهانی نفت، نسبت به کاهش سقف تولید اوپک و به تبع آن نسبت به کاهش سهمیه تولید اعضا اتخاذ تصمیم می‌شد. با تداوم روند مذکور این نگرانی وجود داشت که از سوی نمایندگان مجلس و سایر مراجع ذیربط کشور این پرسش احتمالی مطرح شود: "در حالی که شرایط بازار نشان دهنده فقدان رشد تقاضای جهانی برای نفت خام است و اوپک مدام کاهش تولید می‌دهد چرا و با چه استدلالی اقدام به

حاصل از عضویت در اوپک به شرح زیر فهرست می‌شود:

**الف- فرصت‌ها**

۱- برای کشوری که جزو چند کشور اول صاحب ذخایر نفتی و گازی جهان و همچنین جزو چند کشور اول تولیدکننده و صادرکننده نفت می‌باشد، داشتن یک کanal ارتباطی برای کسب اطلاع از مسائل و تحولات بازار نفت و مواضع رقبا می‌تواند از اهمیت قابل توجهی برخوردار باشد و در صورت خروج از اوپک قطعاً بایک خلاصه ارتباطی و اطلاعاتی موافق خواهیم شد بویژه اینکه شواهد و تجارب نشان می‌دهد که چه نهادهای دیپلماتیک و چه نهادهای مطالعاتی توان پرکردن چنین خلائی را نداشته و ندارند. و جالب تر اینکه چنین نهادهایی در همان سطح محدودی هم که شکل گرفته و توسعه یافته اند به تبع عضویت ما در اوپک و برای تجهیز ما در مواجهه و تعامل با این سازمان بوده است ولذا در صورت خروج از اوپک ما یک فرصت مهم در این عرصه را از دست خواهیم داد و به سرعت در انزوای شدیدی قرار خواهیم گرفت.

۲- حضور در سازمان اوپک به معنای حضور در بازی نفت و دیپلماسی آن است. این حضور کanal مهمی است که امکانی هرچند محدود را برای تأثیرگذاری کشور ما بر نفت و فعل بودن ما در عرصه بازار جهانی آن فراهم می‌کند. بدون این حضور، ما به یک عنصر منفعل و تنها و تأثیرپذیر، در بازار نفت تبدیل خواهیم شد. باید توجه داشت که ما نه آنچنان تولیدکننده بزرگی هستیم که بتوانیم به صورت مستقل و منفرد بر بازار تأثیر بگذاریم و نه آنقدر کوچک هستیم که حضور یا عدم حضور در یک سازمان بین المللی ذیر بطب رایمان می‌تفاوت باشد. ضمناً در حال حاضر از جهات مورد بحث جایگزینی هم برای عضویت در اوپک نداریم.

۳- در چهارچوب روابط بین الملل، عضویت در سازمان‌ها و اتحادیه‌های مهم، مطرح و تأثیرگذار بین المللی به عنوان یک اعتبار و یک خط اعتباری در صحنه دیپلماسی و تعاملات بین المللی به حساب می‌آید که اصطلاحاً کارت‌های بیشتری را برای بازی کردن در این صحنه در اختیار می‌گذارد و چنین فرصتی به سادگی قابل صرف نظر کردن نیست. علاوه بر این در مورد بسیاری از کشورها اصولاً یکی از جنبه‌های مهم روابط دوجانبه ما با ایشان وجه اشتراک در عضویت در سازمان اوپک است.

۴- صرف نظر از سازمان اوپک و کارایی‌ها و ناکارایی‌های اجلاسیه‌های آن، دبیرخانه این سازمان که در شهر وین در کشور اتریش مستقر است در واقع یک مرکز مطالعات ابریزی با یک سابقه چهل و چندساله است. از طریق عضویت در سازمان اوپک می‌توان پست‌ها و مناصبی را در این مرکز در اختیار گرفت و در کنار برخورداری از اطلاعات ابانته و مطالعات آن حتی بر روند بررسی‌ها و مطالعاتی که در این سازمان انجام می‌شود در جهت پاسخ‌گویی به سؤالات و ابهامات کشور و درجهت منافع ملی خود تأثیر گذاشت.

۵- در بازار نفت تأثیر مسائل روانی بسیار زیاد است و از طریق سازمان اوپک می‌توان بر انتظارات روانی بازار تأثیر گذاشت.

#### محدودیت‌ها و هزینه‌ها

۱- برای تداوم عضویت در سازمان اوپک باید حق عضویتی به صورت سالانه پرداخت شود. هزینه‌های سازمان اوپک و دبیرخانه آن از محل حق عضویتی که اعضاء پرداخت می‌کنند تأمین می‌شود. میزان این حق عضویت برای همه اعضای بزرگ و کوچک اوپک یکسان است و گرچه ممکن است رقم آن برای اعضایی که تولید

نموده و سهمیه‌بندی می‌کند شاید مساله خروج از اوپک هم قابل تأمل و قابل بررسی باشد.

از قضا مقارن همان ایام مقاله‌ای در زمینه ایده خروج از اوپک توسط یکی از اساتید ارجمند کشور ارائه شده که البته آن بزرگوار از مدت‌ها قبل با انگیزه‌ای صرفا علمی و به منظور به چالش کشیدن و تجدیدنظر در آنچه که بدیهی فرض می‌شود، بر روی این موضوع کار کرده بود که برگزارکنندگان آن همایش کوشیدند بر آن اتفاک کنند. در هر حال با ذکر تاریخچه مذکور در ادامه این نوشتار بر آنم که محتوای آن ایده را در معرض نقده و بررسی قرار دهم.

#### نقد ایده خروج از اوپک

نکات محوری آن ایده را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود و در عین حال آن را در مسیر نقدبیشتر توضیح داد:

۱- طراحی‌های کشورهای مسلط صنعتی و مصرف‌کننده ابریزی در غرب به گونه‌ای بوده است که عمل نقض لنگر تنظیم کننده بازار نفت که بالاخره باید توسط کشور یا سازمانی ایغا شود را به اوپک واگذاشته‌اند.

البته صاحب این قلم نیز با این نظر مخالفتی ندارد و در مقاله "بازشناسی اوپک و راهکارهای موفقیت در آن" که در شماره هفتم فصلنامه فرهنگ و اندیشه به این قلم انتشار یافته است این مساله شرح و بسط یافته ولکن توضیح داده شده که این به معنای بیهوده بودن و غیر موثر بودن سازمان اوپک نیست.

۲- به نظر می‌رسد ایده مذکور نیز نه تنها با اصل وجود و بقاء اوپک مخالفتی ندارد بلکه حتی آن را ضروری می‌داند و خروج ایران از سازمان اوپک را تهبا این انگیزه توصیه می‌کند که از این طریق ایران بتواند مانند غیراوپکی‌ها هم از حفظ و بالا نگه داشتن قیمت‌های جهانی نفت بهره ببرد و هم مشمول محدودیت‌های اوپک و سهمیه‌بندی‌های آن بشود و به اصطلاح مفت‌سواری (free riding) نموده و با دست باز عمل کند.

در نقده این ایده می‌توان گفت که به نظر می‌رسد ایده مذکور به رهیافت دقیق تر و علمی‌تری در تحلیل چنین مساله‌ای نیازمند است و گرنه دیدگاهی غیرتاریخی و مقطوعی به موضوع داشته و بر مبنای شناخت دقیق و نزدیک از سازمان اوپک و جایگاه واقعی آن نیز استوار نیست.

قبل از هر چیز باید تراز هزینه- فایده تداوم عضویت یا خروج از یک سازمان را استخراج نمود. اگر هزینه‌های حضور بسیار سنگین تراز فایده‌های آن باشد شاید بتوان خروج را توصیه نمود. اما حتی در این موقعیت نیز باید توجه داشت که مساله خروج از هر سازمانی با مساله تصمیم‌گیری در زمینه ورود یا عدم ورود ابتدایی بسیار متفاوت است. در زمانی که ما هنوز عضو سازمانی بین المللی نشده‌ایم ممکن است تفوق هزینه‌ها نسبت به فایده‌های عضویت در آن، ما را به این تصمیم برساند که بهتر است وارد نشویم. اما در جایی که چهل سال از عضویت ما در یک سازمان می‌گذرد مساله پیچیده‌تر می‌شود و ممکن است خروج هم به نوبه خود مستلزم هزینه‌هایی باشد که باید در تراز مالحظه شود.

در اینجا بر مبنای فهرستی که متعاقباً خواهد آمد ادعا می‌شود که در شرایط موجود فواید حضور ما در اوپک آن قدر قابل توجه است که در مقابل آن، هزینه‌ها و یا محدودیت‌های ناشی از حضور چیزی نزدیک به صفر است ضمن این که خروج ما از سازمان اوپک هم اقدامی بی‌هزینه نخواهد بود. فرصت‌ها و محدودیت‌های

تولید و توان تولید نفت، با تداوم عضویت در اوپک می‌توان هم بر سطوح قیمت‌های نفت تأثیر گذاشت و از بالا بودن آن بهره برد و هم محدودیت جدی قابل توجهی برای تولید وجود نخواهد داشت. علاوه بر این نمی‌توان به عضویت در اوپک به صورت مقطعی و فقط برای زمان‌های محدودی که ممکن است چنین چالشی وجود داشته باشد نگریست.

در پایان به این نکته نیز باید توجه داشت که همان طور که قبل از اشاره شد مطرح کنندگان ایده خروج از اوپک با اصل وجود اوپک مشکل و مخالفتی ندارند و بر عکس خواهان اوپکی مقندر هستند، اما در واقع یک مفروض غیرصریح در این ایده وجود دارد که: "با وجود خروج ایران از اوپک، این سازمان حفظ خواهد شد و قادر خواهد بود که با همان قوت سابق به تنظیم بازار ادامه دهد تا ما هم از تنظیم بازار توسط اوپک بهره ببریم و هم گرفتار محدودیت‌های آن نباشیم". اما آنچه از آن غفلت می‌شود آن است که مساله خروج ایران به عنوان عضو موسس اوپک و دومنین تولیدکننده نفت این سازمان اصولاً ممکن است حتی به فروپاشی سازمان منجر شود و اگر هم چنین نشود این سازمان بعد از خروج ایران قطعاً آن اوپک سابق خواهد بود.

در عین حال باید بدون تعصب گفت که اینک بیش از چهل سال از تشکیل سازمان اوپک و عضویت ایران در این سازمان می‌گذرد و بدیهی است که در طول این مدت همه چیز تغییر کرده است. نمی‌توان و نباید مسائل مهمی چون عضویت در اوپک را بر اساس عادت ادامه داد. بنابراین به چالش کشیدن مستمر چنین مسائلی بر مبنای رهیافت علمی و بدون بیش داوری، کاری است ستودنی. اما توفیق چنین چالش‌ها و بررسی‌هایی منوط به آن است که یک سویه نبوده و ابزار خاستگاه‌های سیاسی مقطعی قرار نگیرد.

مدیر مسؤول

نفت محدود و صادرات نفت ناچیزی دارند قابل توجه باشد اما برای کشوری با شرایط ما هزینه قابل توجهی نیست. حتی اگر ما بتوانیم از امکانات دبیرخانه سازمان نیز به خوبی بهره گیری کنیم (که متأسفانه نمی‌کنیم) این هزینه جبران خواهد شد و تاکنون نیز هیچ کس مساله خروج از اوپک را از این نظر مطرح ننموده است.

۲- محدودیت دیگری که مساله خروج از سازمان اوپک عمدتاً به منظور گریز از آن مطرح شده است، نظام سهمیه‌بندی اوپک و محدودیت‌هایی است که تصمیمات سازمان اوپک برای میزان تولید اعضای آن فراهم می‌کند. البته در این مورد نیز به نظر می‌رسد که ارائه دهنده‌گان ایده خروج از اوپک با این مساله آشنایی ندارند که تمکین از نظام سهمیه‌بندی اوپک عمدتاً داوطلبانه و به منظور حفظ منافع ملی کشورها و جلوگیری از سقوط قیمت جهانی نفت (به عنوان یک منبع فناپذیر) است و گرنه در سازمان اوپک نظارتی پلیسی و یا ضامنی اجرایی برای کنترل تولید اعضای سازمان وجود ندارد. تنها هزینه عدم رعایت سهمیه‌ها آن است که اعضایی که با تأخیر زمانی و معمولاً بدون قطعیت کامل، آشکار می‌گردد که با توجه به شرایط متحول بازار چندان بردی ندارد.

به نظر می‌رسد که مطرح کنندگان ایده خروج از اوپک بر پیش‌بینی و برآورده اتفاقاً می‌کنند که تحقق آن ناممکن به نظر می‌رسد و آن عبارت است از امکان رسیدن تولید نفت کشور به ارقامی در حدود ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز که بدون توجه به امكانات پذیری فنی تحقق آن مطرح می‌شد و امکان دستیابی به آن کاملاً تردیدآمیز است. بر مبنای آن برآورد تصور می‌شد که ایران با رسیدن به چنان ارقامی از تولید، با نظام سهمیه‌بندی اوپک دچار چالشی بسیار جدی خواهد شد. اینک نقاط ضعف چنین برآوردهایی آشکار شده و تجربه نشان می‌دهد که در سطوح واقعی

